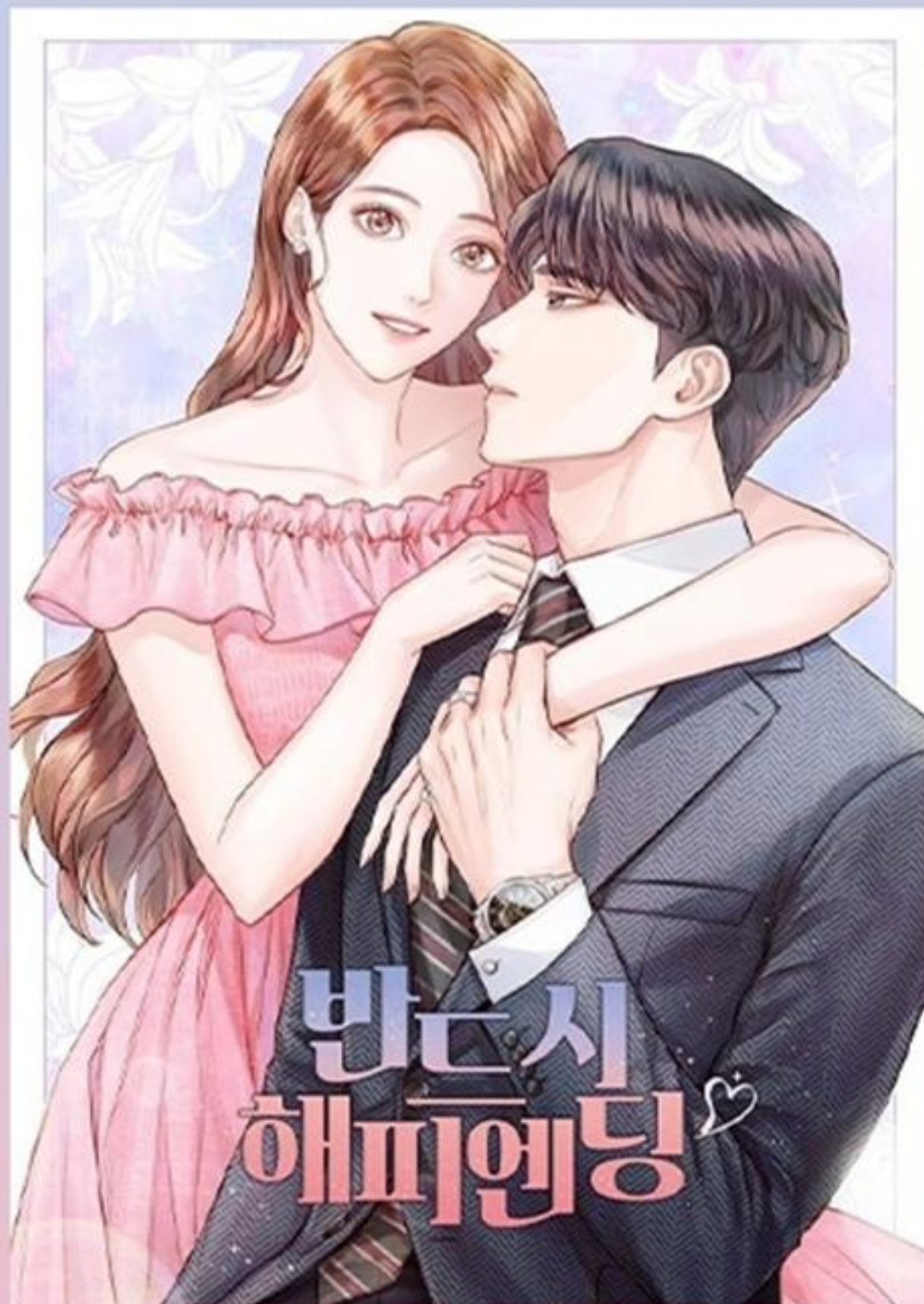




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

مترجم: OffOn0x

کلینر: Elara

تایپیست: Hayka



ازم یه آدم خوب نساز.

엄

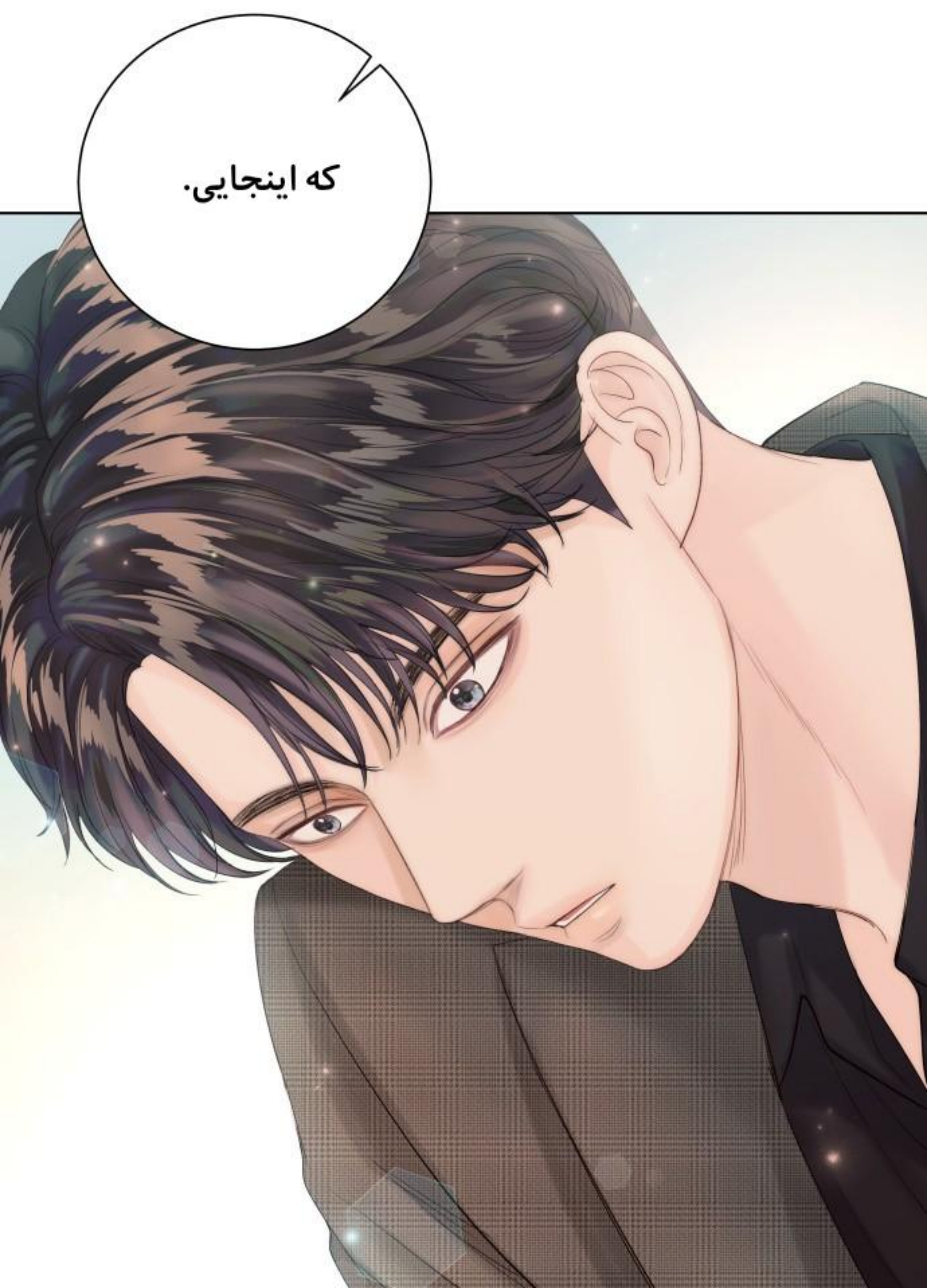




سونبه،



مرسی...





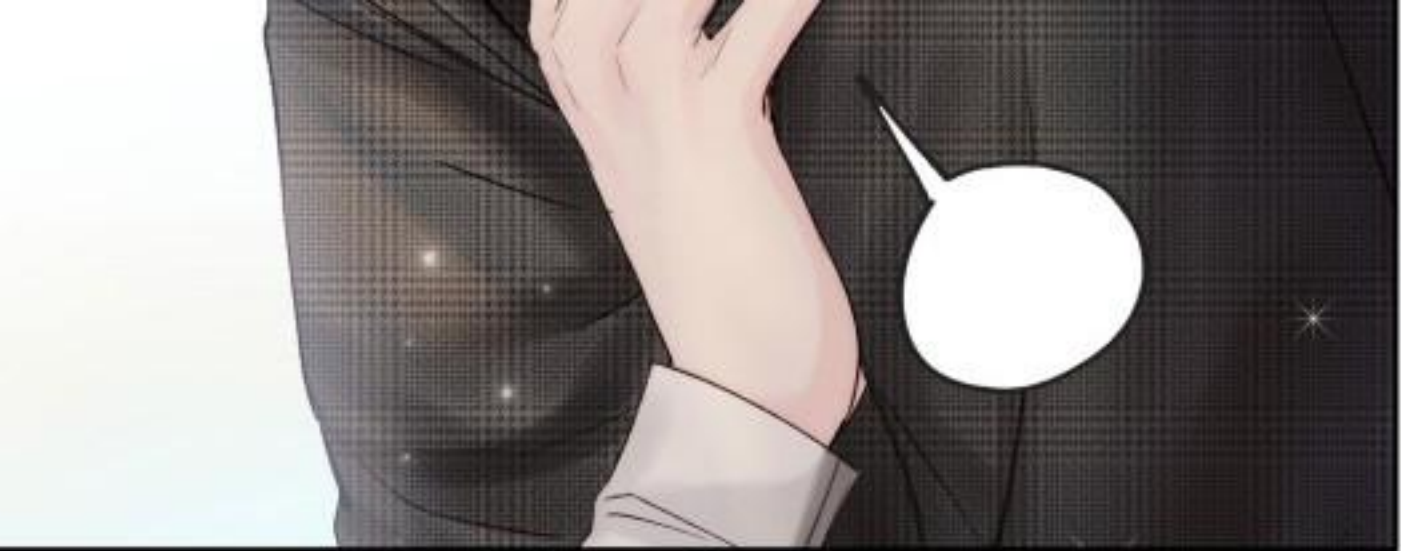
اینجوری حرف نزن!

داری عمدا اینکارا
رو می کنی



که مطمئن شی
کاری نمی کنم.





헉



포옹해줘

?!?!

داری چیکار...



همینجا
بخواب دیگه.





مهارت دستت رو می گیرم
و می خوابم!

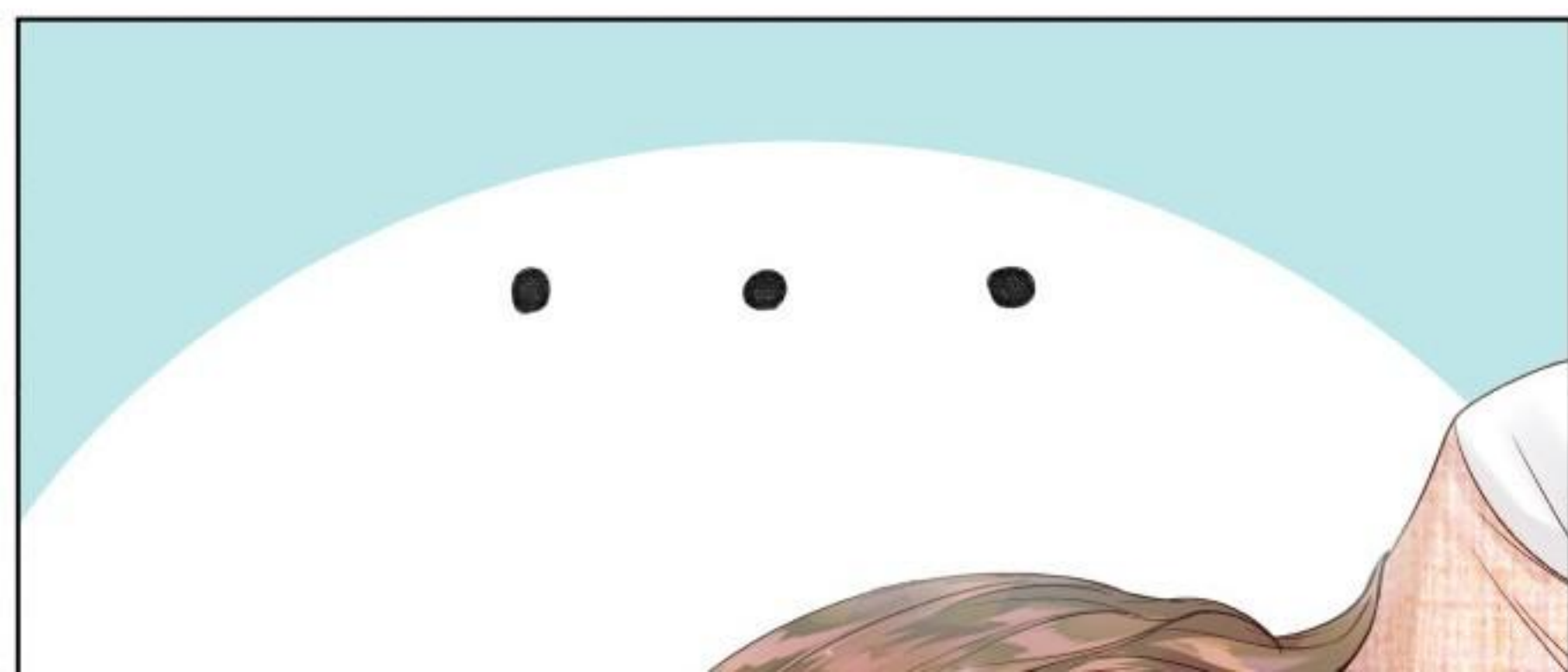


ولم کن.
من اینجا حقوق انسانی
ندارم؟

نمی خواااام



مگه می‌خوایم با هم
بخواییم؟ بخوام بخوابم
دست کسیو نمی‌گیرم.



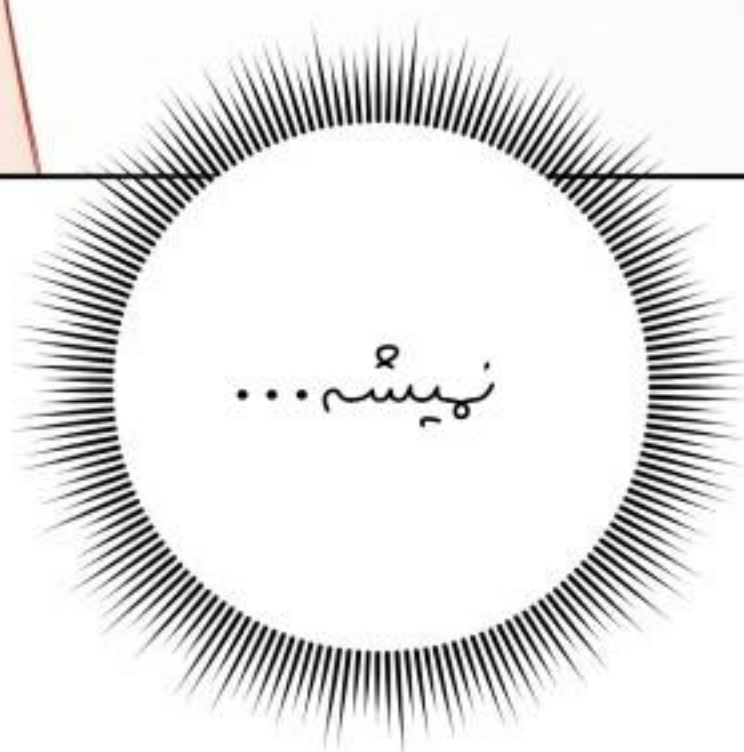


خودت خواستی
باهات بخوابم.



پا پس نکش.







چدی خوابیدی؟

نمیشه حالا که خوابش پرده،
پیدارش کنم که.

ااا..





%%..

Iris
Sekai
T.me/
IriSekai



نکنه باز کاپوس پیینی؟

کابوس...

کابوس دیدم





يُونِسْ ٩٩



واقعہ مدیون ہمون کا بوسم۔



به خاطر همون کابوس بود که
فاصلمون کم شده.

به هر حال

برای چی می خواستی
طلاق بگیری؟

فکر کنم به کاپوس خیلی
تغییرت داده.

دیگه دستت رو رها
نمی‌کنم.



واسه چی می خواستی
بهم بزنی آخه؟

반드시 해피엔딩

각색 불사 그림 재림
원작 플라다



مرسی منی که دیروز مست
کرده بودم، صحیح و سالم
رسوندی هتل.



آره. این کارا فقط از
خودم برمیداد.



?

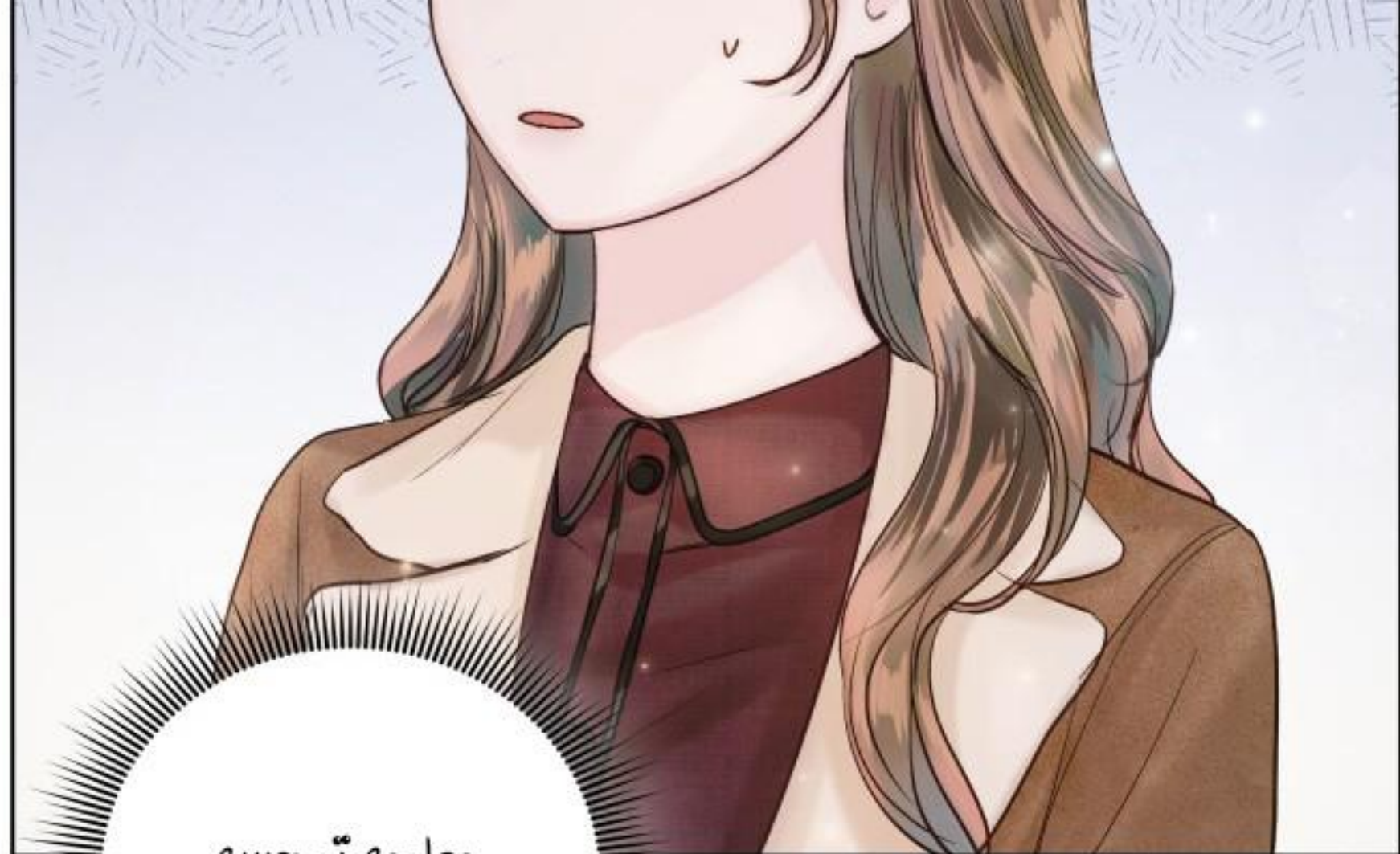


او هوم.
مرسی که هوامو داری.

خواهش.



فکر کنم از صبح زده به
برق.



معلومه تُو حسه.
چش شده؟



مطمئنم یه چی شده، چرا
آخه؟

چرا دستمو موقع راه
رفتیم گرفتتی؟

تک

نن





فکر کردی تو
فرودگاه گم میشم؟





اما، سونبه...

بیخشید با اینکه خوابت
میومد نصف تخت رو
گرفته بودم.





اگه خیلی معذب میشی،
بذارم رو مبل.

پس، الان معذبی تو؟





آخه الان ناراحتی،
منم یه جوریم.

바스작



^^

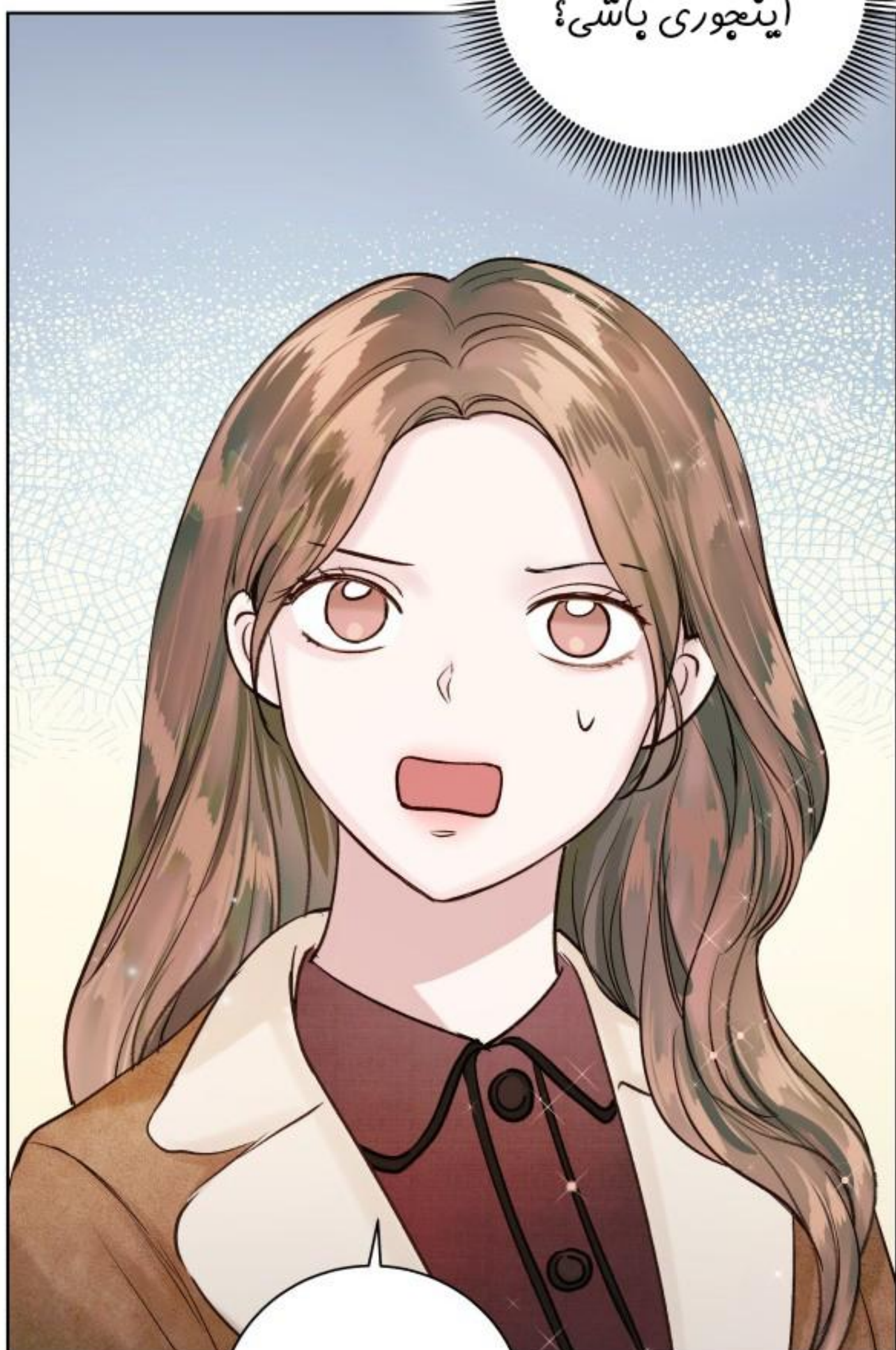
عجب.



خب تو همون
خیال بمون.



واو، چطوری می توئی
اینچوری باشی؟



هی، من جدی
بودما.

چی؟



نه.

پهش که فکر
می کنم، عجیبه.



دیروز، روز شیرینی
بود...

مگه دستمو نگرفتی، بگلم
نکردی و پاهام نموندی تا
خواهم بپره؟



قلب مردارو نمی توئم
کنترل کنم.

دیگه چی فکر کردی؟

Iris
Sekai
T.me/
IriSekai







همو می بینیم و ناهار
می خوریم.





شاید بعد شام برگردم.



...منم یه قرار
دارم.

نمیشه بگی ببخشید؟ یه
بار حتی؟



شبِ همونچوری
گذشته دیکه؟

"می‌خوام پیشتر باهات
باشم" و این حرفا...
ها؟!!

سخته فقط بشینم
تماشات کنم...



اوه، و

می تونی بیرون
بنوشی.





بله؟

مگه به خاطر عادت بدت
نبود که دوست نداشتی
بیرون مشروب بخوری؟

من تو وعده‌های اصلی و
دور همیا مشروب
نمی‌خورم.



هر وقت هوس کردی
بنوش بابا.

و تا مست نشدی نیم
ساعت به ریز حرف
بزن





من خودم حواسم
بهت هست.



آخه سرت
شلوغه.

وللش.



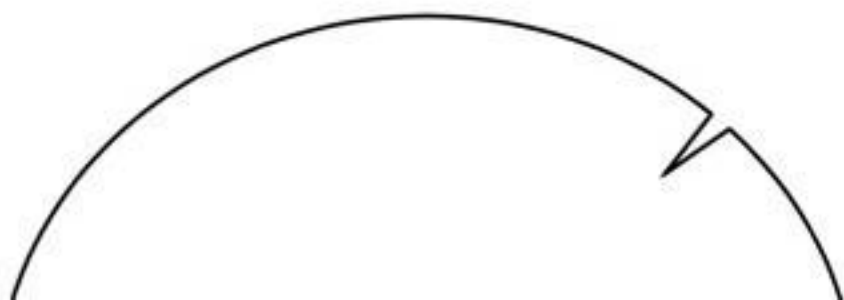


باشه. مرسی واسه
حرفات.





فقط حرف به در نکردما.

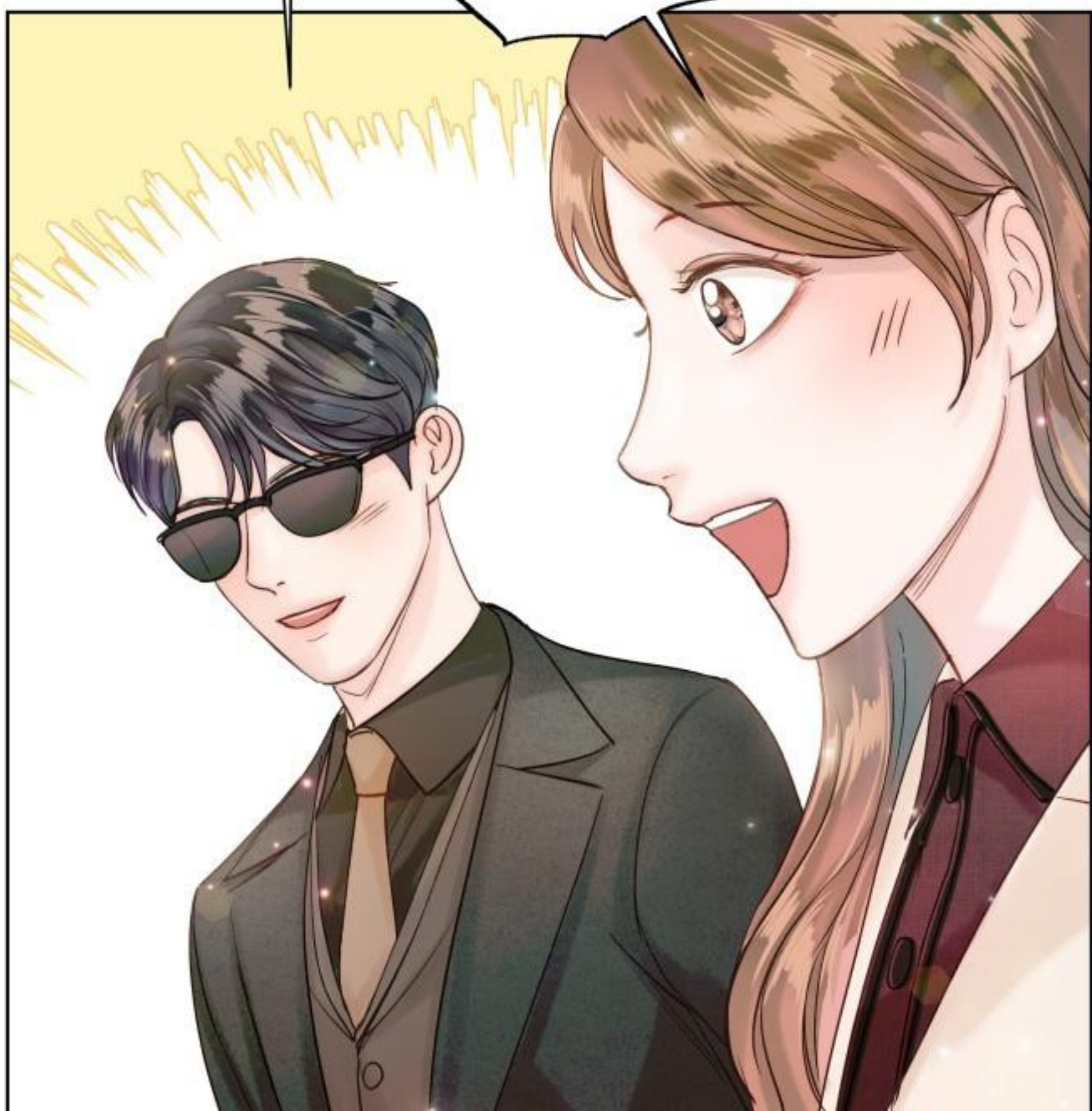


...ببخشید زیاد نتونستم
بازی کنم آخه دیشب مست
بودم.



اشکال نداره.
هفته دیگه کریسمسه،
پس...

کریسمسه!!



امسال کریمس، واسه
کارای داوطلبانه میرم
مدرسه.

.....

تو هم سرت به کار
گرمه؟
مامان میگه اون موقع
خیلی شلوغ میشه.

آره. بیزینس. وقت
خوابیدنم ندارم!

ایک



چرا دوباره؟
چدا...

سئول گانگنام



شوهرت
باهات اومده؟



ها، بازم متاسفم.





اینی که دارم می‌بینم،



همونیه که هفته
پیش دیدم؟

부웅!





٥٥٥

تا الان از زندگی مشترکت
خبر نداشتم. بیخود نگران
بودم پس.



امروز حالم خوبه، حس
می کنم یه کار مهمی رو
انجام دادم.

واقعا کاپل
خوشگلی هستین.

جدا با اون دفعه که
دیدمت، فرق داره!

ها؟ شماها همدیگه رو
دیده بودید؟



퐁

او پس، هفته پیش همو
دیدیم. راز بود مثلاً.

ها، نه.
توی مراسم عروسی
بود.



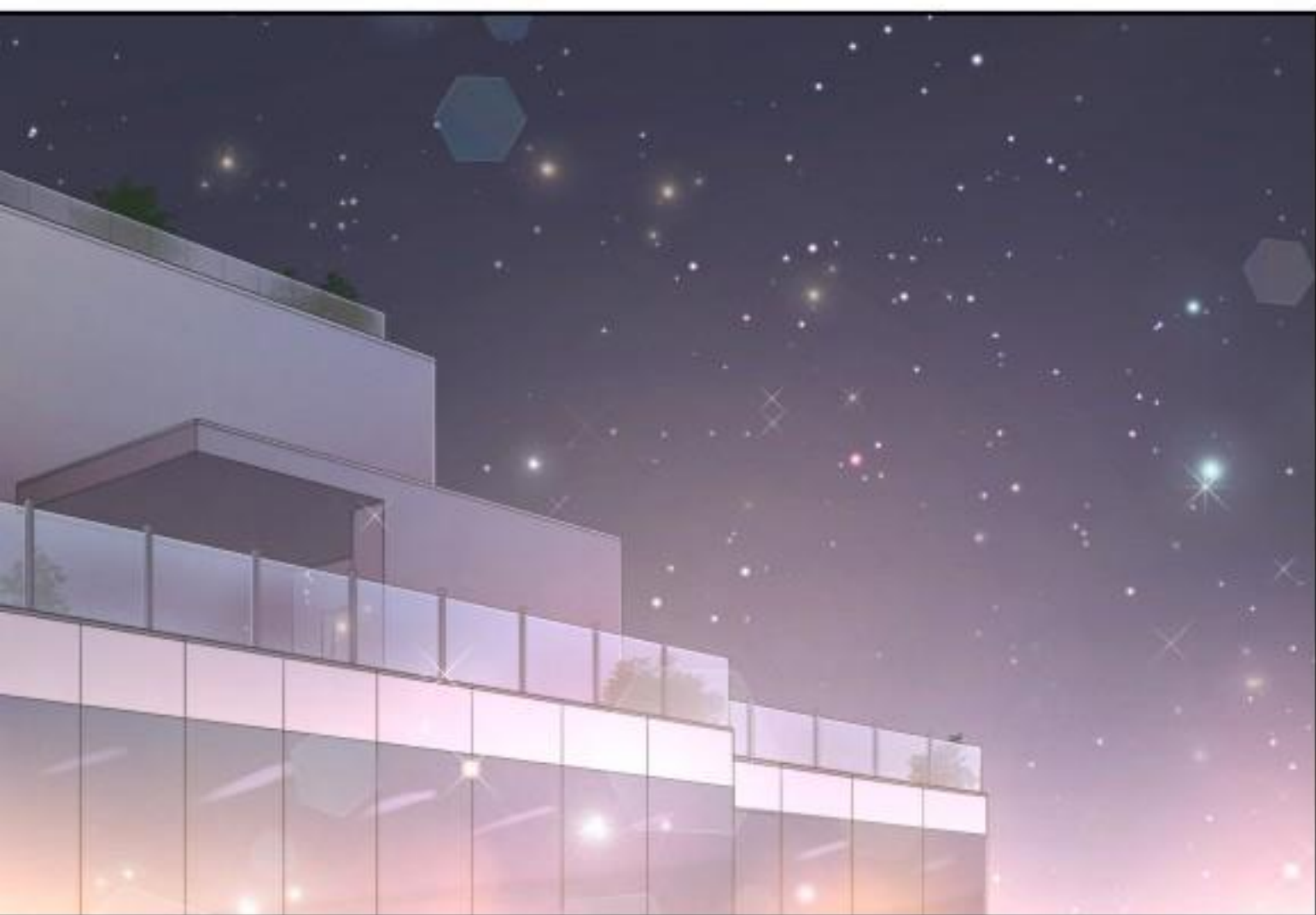
تو عروسی، سوئپه رول شوهر
پی نظیر رو واسه زنش بازی
می کرد که



능능하



پس چی میگی
فرق داشته؟



واکنش سوزی

یه طوری بود





وقتی ارشد اومد ارزش

پیرسم؟



راستی، سونبه دیر کرده...



موقع میزبانی از نماینده
های هون خیلی خوردم.



میں نے



Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

آخرین پاری کہ
اینطوری مست کردہ
پو دم کی پود...



يئون وو... خوابیدی؟

π10101











از شما برای خواندن کارمون
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیگمون رو هم بخونین.

@IriSekai

